

## متن پرسش

سلام استاد: کتاب برهان صدیقین رو تا قبل از هویت تعلقی خواندم به همراه شرح شما. ولی به سؤالاتی برام پیش اومده: اصلا معانی ذات، صفت و فرقاشان و همچنین وجود، موجود و فرقاشان با هم چیست؟ مرادتان رو به صورت دقیق از این مفاهیم برام روشن نیست و به جاهایی دارم خلط می‌کنم. مثلا در مورد ذات و صفت اینجوریه که یک موجود صفتی دارد که آن صفت یا عارضی است یا ذاتی. حال سوالی که دارم اینه که خود این صفت هم به عنوان یک موجود چی میشه؟ یعنی یک صفت ممکنه یک صفتی داشته باشه؟ به عنوان مثال نمک به عنوان یک موجود صفت شوری دارد. حال خود این شوری هم بالاخره موجودی است. این شوری چی میشه؟ میتونه صفتی داشته باشه؟ تفاوت این دو وجود (وجود نمک و وجود شوری) در چیست؟ شما وقتی از وجود صحبت می‌کنید از کدام معنی وجود صحبت می‌کنید؟ موجودات که می‌گویید منظودتان کدام دسته هستند؟ موجودات ذهنی، موجودات خیالی یا موجودات عقلی هم شامل می‌شود یا فقط موجودات خارجی را منظور قرار می‌دید؟ اصلا وجود که می‌گویید ماهیات رو منظور می‌کنید یا نظر به اصالت اون دارید؟ مثلا وقتی در مورد میز صحبت می‌کنید منظورتون چوب است که به این فرم درآمده یا نه! همین شکل و شمایل چوب رو هم در نظر می‌گیرید؟ ای کاش این مفاهیم رو در ابتدا جا می‌نداختید بعد سراغ برهان می‌رفتیم. چون موقع خواندن کتاب و شرح شما ذهنم جوانب دیگه رو در نظر میگیره و هزارتا سوال برام بوجود میاد که اذیت میشم.

## متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱. نمک به عنوان یکی از مراتب عالم ماده، یکی از مراتب وجود است که وجود در این مرتبه، صفت شوری را از خود ظاهر می‌کند بنابراین آنچه اصل است وجود است که در مراتب مختلف، ظهورات مختلف دارد و آن ظهورات را صفت می‌نامند و این‌طور نیست که صفات به خودی خود وجود داشته باشند بلکه ظهوری از وجود در مرتبه‌های خاص هستند. ۲. عجله نکنید تا آخر، بحث را دنبال بفرمایید إن شاء الله جواب این نوع سؤالات را خواهید یافت. ۳. وجود، تعریف‌بردار نیست. هرکس نزد خود آن را می‌فهمد، دیگر معنا نمی‌دهد وجود میز یا وجود خارجی و یا وجود ذهنی. بحث در مورد وجود است در مراتب مختلف. موفق باشید